

دانشنامه‌ی اساطیر جهان

رکس وارنر

ترجمه‌ی ابوالقاسم اسماعیل پورمطلق

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

فهرست مطالب

۱۱	اشاره مترجم
۱۳	پیش‌گفتار
۱۵	دیباجه: معنی اسطوره

۱. درونمایه‌های مشترک اساطیری

۱۹	اسطوره‌های آفرینش
۲۵	نخستین انسان
۳۰	پهلوانان
۳۳	زنان
۳۹	ایزد بانو مادر
۵۰	مرگ
۵۶	پایان جهان
۵۹	بهشت
۶۷	شرح تصاویر دیباجه و درونمایه‌های مشترک اساطیری

۲. اسطوره‌شناسی تطبیقی

۹۳	استرالیا (استرالیا؛ زلاندنو، ملانزی، پولینزی و میکرونزی)
۱۰۳	آفریقا (آشانتی، ایبو، قبایل کنگو، نیلوت‌ها، زولوها)
۱۱۱	خاور دور (هند، ناگاس‌ها، تبت و آسیای جنوب شرقی، چین، ژاپن)
۱۲۱	آمریکای جنوبی (آزتک‌ها، اینکاها، مایاها، برزیل)

آمریکای شمالی (ایالت متحده، سرخپوستان ناواهو، سرخپوستان پوئبلو، سرخپوستان ایروکی، سرخپوستان فلات بزرگ، سرخپوستان آگن کی، سرخپوستان شمال غرب اقیانوس آرام، اسکیموها)
 ۱۳۱
 ۱۴۹ شرح تصاویر اسطوره‌شناسی تطبیقی

۳. مصر و خاورمیانه

مصر (ایزدان مصر: هوروس، ایزیس، سراییس، سلِت، ایزدان دیگر)
 ۱۶۵
 بین‌النهرین
 ۱۸۹
 سوریه و فلسطین
 ۱۹۶
 حتّی‌ها
 ۲۰۳
 فنیقی‌ها و کارتاژها
 ۲۰۸
 ایزدان، ایزدانوان و بهلوانان (عشتارت، بعل، سیبیل، گیل‌گمش، ایشتر، مردوک، ایزدان دیگر)
 ۲۱۳
 ۲۳۱ شرح تصاویر مصر و خاورمیانه

۴. اساطیر ایران

دو بن‌نگری کیهانی: کیش مزدایی
 ۲۵۳
 ایزدان برتر
 ۲۵۴
 ایزدان کهنتر
 ۲۵۵
 دو بن‌نگری مزدایی
 ۲۶۰
 اسطوره زروان
 ۲۶۰
 مکاشفه زرتشت
 ۲۶۲
 اسطوره جمشید
 ۲۶۶
 اسطوره کیومرث
 ۲۶۷
 اسطوره کی‌کاوس
 ۲۶۸
 اسطوره کی‌خسرو
 ۲۶۸
 کیش میترا
 ۲۶۹
 کیش مانوی
 ۲۷۲
 ۲۷۵ شرح تصاویر اساطیر ایران

۵. اساطیر یونان باستان

ایزدان اُلَمپ
 ۲۸۵
 ایزدان بزرگ (آفرودیت، آپولن، آتنا، دِمتر، دیونیزوس، هفائستوس، هرا، هرمس، پوزئیدون، زئوس)
 ۲۹۰

۳۰۱	ایزدان، ایزدبانوان و قهرمان کهتر (آشیل، شارون، سیرسه، اروس، هکاته، اُرفه، پان، پرومته، تزه)
	موجودات اساطیری (آمازون‌ها، سانتورها، ایزدان خشم، گرگن‌ها، هاری‌ها، موزها، نمف‌ها، ساتیرها، سیرن‌ها، ایزدان دیگر
۳۱۱	
۳۳۱	شرح تصاویر اساطیر یونان بوستان

۶. اساطیر روم باستان

۳۴۵	تأسیس روم
۳۵۱	اتروسکی‌ها
۳۵۳	ایزدان و ایزدبانوان (دیانا، ژانوس، ژوپیتر، لارها، مارس، مرکوری، میترا، پلوتن، ساتورن، ونوس، ایزدان دیگر)
۳۸۱	شرح تصاویر روم باستان

۷. اساطیر اروپای شمالی و مرکزی

۳۹۱	اساطیر اسکاندیناوی
۳۹۵	ایزدان و ایزدبانوان (بالدر، فریر، فریا، فریک، لوکی، آدین، ثور)
۴۰۸	اساطیر فنلاندی
۴۱۳	اساطیر ژرمنی
۴۱۷	اساطیر اسلاوی
۴۲۰	ایزد سوارکار تراکیایی
۴۲۲	پیوست (ایزدان دیگر)
۴۲۷	شرح تصاویر اساطیر اروپای شمالی و مرکزی
۴۳۹	شرح تصاویر رنگی

۸. اساطیر سلتی

۴۵۷	شاه آرتور و شوالیه‌های میزگرد (کامه لات، گلاستن‌بری، جام مقدس، گالدها، گاوین، لانس لات)
۴۷۹	سلتها
۴۸۳	بوسه جادویی
۴۸۵	ایزدان، قدیسان و قهرمانان (بران، بریگیت، کوچولین، فین، گویدیون، لیو، بریتانی)
۴۹۳	شرح تصاویر سلتی

۹. اساطیر حیوانات

آفریدگان ایزدی و افسانه‌ای، خرس، گراز، گاو نر، گربه، کیمر، خروس، گاو ماده، دُرنا، کلاغ، فاخته، کبوتر، اژدها، عقاب.

- قورباغه، بز، غاز، سگ شکاری، اسب، کفتار و شغال، گول دریایی، شیر، مارمولک، زاغی و کلاغ سیاه، بلبل، شتر مرغ، جغد، طاووس، مرغ سقا یا پلیکان، ققنوس، خوک، سینه سُرخ، رُخ، سگ آبی، مار، عنکبوت، گوزن، لک‌لک، پرستو، قو، اسب شاخدار، نهنگ، گرگ، دارکوب، سُسک یا الیکایی
- ۵۰۵
- پیوست: زنبور عسل، حکایات اخلاقی حیوانات، بوفالو (گاؤ وحشی)، پروانه، سُنقر، خرچنگ فیل، باز شکاری، یوزپلنگ، بره، مرغ توفان، غراب یا کلاغ سیاه، حلزون، مار
- ۵۴۵
- ۵۴۹ شرح تصاویر «اساطیر حیوانات»

۱۰. اساطیر گیاهان

- درختان، گل‌ها و گیاهان دیگر، سیب، درخت زبان گنجشک، درخت آقظی (پلم)، انجیر، گیاهان علفی، درخت راج و پیچک، درخت غار، سوسن، نیلوفر، مهر گیاه، کاولی (کشمشک)، قارج، بلوط، زیتون، نخل، سماق کوهی، بید، درخت سور
- ۵۶۱
- ۵۸۷ پیوست: راش، درخت قان، سرو، ذرت، درخت مورد، خشخاش، برنج، اکلیل کوهی، درخت زندگی و ...
- ۵۹۱ شرح تصاویر «اساطیر گیاهان»
- ۶۰۱ نمایه

دیباچه

معنی اسطوره

میتوس (mythos) در کلام یونانیان به معنی "افسانه"، "قصه"، "گفت‌وگو" و «سخن» بوده، اما نهایتاً به چیزی اطلاق گردید که "واقعاً نمی‌تواند وجود داشته باشد". نخستین فیلسوفان یونانی منتقد اسطوره‌های هومری بوده‌اند و آنها را به عنوان داستان‌های خیالی و جعلی مردود دانسته‌اند. گزنفون (سده ۶-۵ پ. م.) جاودانگی و نامیرایی ایزدان مورد توصیف هومر و هزیود را رد کرد. او به‌ویژه تصویرگری ایزدان به شکل انسانی (انسان‌گونه‌پنداری ایزدان^۱) را به نقد کشید. "اگر گاو و اسب و شیر مثل آدمی دست داشتند یا اگر می‌توانستند دست‌های‌شان را حرکت دهند و مانند انسان کار کنند، پس می‌توانستند شکل ایزدان را درست مثل اسب یا گاو در آورند و بدن‌شان را مثل خودشان شکل بخشند". در این‌گونه انتقاداتی که از اساطیر هومری به عمل آمده، تلاش بر این بوده که مفهوم الوهیت را از توصیفات شاعران در باب انسان‌گونه‌پنداری ایزدان رهایی بخشند. با وجود این، اساطیر هومر و هزیود شیفتگی گروه‌های برگزیده و نخبه را در سراسر قلمرو هلنی (یونانی) از میان نبرد. با این حال، اسطوره‌ها را به طور تحت‌اللفظی در نظر نمی‌گرفتند؛ و بیش‌تر در پی "معانی پنهان" اساطیر بودند. رواقیون تفسیر تمثیلی اساطیر هومری و به طور کلی تفسیر همه روایات دینی را گسترش دادند. مثلاً وقتی در اسطوره‌ها آمده که زئوس هرا را به بند کشید، ماجرا واقعاً به این معنی است که "اثیر" حد و مرز هوا است و چیزهایی از این قبیل. تفسیر جالب دیگر از آن مکتب اوهمر^۲ بود که در آغاز سده سوم پ. م. شکل گرفت. اوهمر سعی داشت ثابت کند که ایزدان همان شهریاران باستانی بودند که شکل ایزدی یافتند. نتیجتاً، اسطوره‌ها نمایانگر خاطره در هم یا تجلی خیال‌گونه قهرمانی شهریاران نخستین بوده‌اند. مدافعان مسیحی این نوع تفسیر اساطیری را از یونانیان به وام گرفتند. در نزد آنان اسطوره‌ها عبارت بودند از داستان‌های خیالی که دروغ و پوچی را رقم می‌زدند و آنها را بیانگر اعمال شنیع می‌دانستند و از آن کراهت داشتند.

1. Anthropomorphism

۲. Euhemerism: پیروان اوهمر، فیلسوف یونانی (۳۰۰ پ. م.) که منشأ ایزدان را به شخصیت‌های واقعی قهرمانان منتسب می‌کردند. م.

تنها در پنجاه سال گذشته بود که پژوهندگان غرب معنای ابتدایی و راستین اسطوره را کشف و آفتابی کردند. اما مطالعه علمی اساطیر قبلاً نیز در نیمه دوم سده نوزده رواج داشت، به ویژه آن را در آثار ما کس مولر^۱ اندرو لانگ^۲ و سر جیمز فریزر^۳ می‌بینیم. به زعم مولر، اساطیر نوعی «بیماری زبانی» بود. لانگ مدعی بود که اسطوره‌ها منتج از شخصیت بخشیدن نیروها یا پدیدارهای طبیعی است، فرآیندی ذهنی که ویژگی مرحله زنده‌انگاری^۴ فرهنگ بوده است. فریزر اسطوره‌ها را به مثابه توجیحات نادرست انسان از پدیده‌های طبیعی می‌پنداشت. در آغاز این سده، فروید و یونگ با روحیه تازه‌ای به مطالعه اساطیر پرداختند و شباهت‌های حیرت‌انگیزی میان محتوای اساطیر و جهان ناخودآگاه یافتند.

رویکارد تازه و مثبت به اسطوره سخت مدیون دستاوردهای دانش نوین قوم‌شناسی است. بررسی علمی جوامع باستانی - جوامعی که اسطوره در آنها دست‌کم تا زمان‌های اخیر زنده بود - مشخص کرده که اسطوره در نزد انسان «بدوی» به معنی یک داستان راستین است و از این گذشته، داستانی است که همچون گنجینه‌ای بسیار ارزشمند جلوه می‌کند، چون مقدس، نمونه‌وار و معنی‌دار است.

این ارزش نوین که به اصطلاح «اسطوره» بخشیده شده، گفتار معاصر را تا حدودی دو پهلو می‌کند. امروزه این واژه هم به مفهوم کهنی که میراث یونانیان است، به معنی «داستان» یا «وهم»، و هم به معنای آشنا در نزد تاریخ‌نگاران ادیان، یعنی، سنت مقدس، مکاشفه ازلی و الگوی نمونه‌وار، به کار می‌رود.

به طور کلی، می‌توان گفت که در هر موردی که ما به یک سنت زنده دسترسی داریم، هر اسطوره می‌گوید که چگونه چیزها پدید آمده است. آن «چیز» ممکن است جهان، یا انسان، یا گونه‌ای حیوان، یا یک نهاد اجتماعی باشد. پس، اسطوره همیشه متضمن یک «آفرینش» است؛ و می‌گوید که چگونه چیزی به وجود آمده و بودن آغازیده است. اسطوره فقط از آنچه که واقعاً رخ داده سخن می‌گوید. نقش پردازان اساطیر باشندگان فراطبیعی‌اند و اساساً با کارهایی که در اعصار آغازین کرده‌اند، شناخته می‌شوند. از این رو، اساطیر کنش خلاق خود را فاش می‌سازند و نمایانگر قداست‌اند (یا تنها فراطبیعی بودن) اعمال خود را آفتابی می‌کنند. مداخله باشندگان فراطبیعی جهان را به شکل امروزی درآورد. اسطوره داستانی مقدس و در عین حال، داستانی راستین به شمار می‌رود، چون همیشه با واقعیات سروکار دارد. اسطوره‌ای که می‌گوید چگونه جهان پدید آمده، «راست» است چون وجود جهان خود آن را به اثبات می‌رساند؛ اسطوره سرچشمه مرگ به همین اندازه راست است، چون میرایی انسان آن را ثابت می‌کند، و از این قبیل توجیحات بسیار است.

اسطوره چون به اعمال موجودات فراطبیعی و تجلی قدرت‌های مقدس آنان می‌پردازد، برای همه اعمال برجسته انسان نیز الگویی نمونه‌وار می‌شود. در یک متن پُرآوازه برهمنی چنین آمده، «ما باید دست به کاری بزنیم که ایزدان در آغاز کردند». نیز بومیان کای^۵ گینه جدید می‌گویند «نیا کان (اساطیری) ما چنین کردند، ما نیز باید به همین طریق عمل کنیم».

آنچه در آغاز رخ داده، می‌تواند با قدرتی که در شعایر نهفته است، تکرار شود. به همین سبب، شناخت اسطوره‌ها ضروری است. انسان‌های جوامع باستانی با به یاد آوردن اساطیر و به کنش درآوردن دوباره آنها قادرند آنچه ایزدان قهرمانان یا نیاکان در اعصار آغازین انجام دادند، تکرار کنند. فقط یک نمونه را ذکر می‌کنیم: یکی از قبایل از طریق صید ماهی معیشت می‌کند - چون در اعصار اساطیری، موجودی مافوق طبیعی به نیاکان‌شان آموخت که ماهی صید

1. Max Muller

2. Andrew Lang

3. Sir James Frazer

4. Animism

5. Kai